عصیان

شماره هفدهم. تیر ۱۳۹۱

وقتی قانونی ناعادلانه است باید آن را نقض کنید.

نوال سعداوی

در این شماره....

- دموکراسی با طعم قدرت ۵۰ درصد و دیگر هیچ!
- نقد فیلم سعات آباد
- گزارش ارسالی
- اخبار دختران
- پیام تسلیت
- آیا می دانید

ما..... عصیانگریم این آغاز عصیان است. ما صدای دختران و زنانی هستیم که سالهاست زیر فشار قوانین مذهبی و ضد زن و مرد سالارانه جامعه و خانواده له شده اند. آمده ایم تا علیه این ستمها بایستیم. تلاش می کنیم تا آگاهی را نسبت به این ستمها و تفکر پشت آن را اشاعه دهیم.

osyan.osyan@gmail.com

facebook: osyanzan

دموکراسی با طعم قدرت ۵۰ درصد و دیگر هیچ!

روشنک مینو

یازدهم فروردین سال جاری، تشکلی تحت عنوان «اتحاد زنان ایران برای دموکراسی» اعلام موجودیت نمود که هدف خود را تحقق دموکراسی و افزایش نقش زنان در قدرت سیاسی قرار داده است. این تشکل نقطه‌ی عطف شکل‌گیری خود را وقایعی چون جنبش مردم در سال ۸۸ و بهار عربی می‌داند و در بیانیه‌ی اعلام موجودیت خود می‌نویسد: «به رغم مشارکت بالای زنان در تحولات بهار عربی، تغییرات سیاسی بدست مردان هدایت می‌شود و تلاش می‌شود تا زنان باهمه تلاش ها و مقاومت‌هایشان در بطن این تحولات، پیاده نظام باقی بمانند» و بر همین اساس اعتقاد دارند تا زنان به صورت جدی در عرصه سیاسی حضور نداشته باشند، نخواهند توانست اقدامی را به نفع زنان انجام دهند.

با نگاهی به مؤسسین این تشکل در می‌یابیم همان کسانی که یک روزی با استفاده از اصلاح درونی نظام جمهوری اسلامی می‌خواستند حقوق زنان را تأمین کنند و مدعی بودند که اسلام با حقوق زنان منافاتی ندارد و یا کسانی که در بیانیه ی حقوق بشر سازمان ملل، منافع زنان را پی می‌گرفتند امروز می‌گویند، موضع تشکل آنها، گذار کامل از جمهوری اسلامی، انحلال این رژیم و رفتن به سمت استقرار یک حکومت دموکراتیک و سکولار در ایران است .... آنها با نیروهایی که خواهان حفظ جمهوری اسلامی هستند، قاعدتاً نمی‌توانند همکاری داشته باشند. شکل‌گیری بهار عربی در منطقه از یک سو و حضور گسترده‌ی دخترانی که در صف مقدم مبارزات پس از انتخابات بودند هشداری برای این طیف است که نیروی عظیم تغییرات آتی در جامعه ایران زنان‌اند و زمان آن فرا رسیده تا با ایجاد تشکلی فراگیر از میان این نیروهای رادیکال و در ضدیت با جمهوری اسلامی، مهر تغییرات آتی را به نام خود ثبت کنند. اما سیاست حاکم بر هر تشکل و هدفی که دنبال می‌کند ماهیت واقعی آن را نشان می‌دهد. اینکه هر مجموعه‌ای مدعی ضدیت با جمهوری اسلامی باشد دلیل بر رادیکال بودن و انقلابی بودن آن نیست. اینها کماکان رهایی زنان ایران را در تحقق مطالبات مقطعی زنان از بالا می‌بینند. همچنان به پایبندی و اجرای موازین نهادهای بین‌المللی تاکید می‌ورزند. حال که دستشان از اصلاح طلبان وقت کوتاه شده و بوی تغییر به مشام‌شان رسیده می خواهند در نظام آتی جایی بدست آورند. برای آنها حل مسئله زنان در حضور حداکثری آنها در قدرت سیاسی کشور می‌باشد و این حضور در عرصه‌های مختلف به میزان توسعه یافتگی کشورها و نرخ دموکراسی در ساختار سیاسی آنان مربوط است و در این میان از حضور و موفقیت زنان اروپا و خصوصا کشورهای اسکاندیناوی به عنوان الگو نام می‌برند. برای آگاهی خوانندگان در اینباره نگاهی به آمار می‌اندازیم. در کشور پرتقال ۵۲،۸ در صد زنان صریحا اعلام کرده‌اند که از سوی همسران، معشوقان و یا یاران خود مورد خشونت قرارگرفته‌اند. در آلمان در هر

۴ روز ۳ زن توسط مردان زندگی خود به قتل می‌رسند. یعنی بالغ بر ۳۰۰ قتل در سال. در انگلستان هر ۳ روز ۱ زن در همین شرایط کشته می‌شود. در ایتالیا ۱ زن هر ۴ روز. یعنی حدود ۱۰۰ زن کشی در سال. در فرانسه هر ۵ روز یک زن در اثر خشونت‌های خانگی به قتل می‌رسد. یک سوم این زن کُشی‌ها با سلاح سرد و یک سوم دیگر با اسلحه گرم صورت می‌گیرد. ۲۰ درصد خفه می‌شوند و ۱۰ درصد تا حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. در مجموعه ۱۵ کشور اتحادیه اروپا (قبل از گسترش آن به ۲۵ کشور) بیش از ۶۰۰ زن در سال یعنی نزدیک به دو زن در روز در اثر خشونت‌های کانون خانواده جان می‌دهند. رومانی در میان کشورهای اروپایی کشوری است که در آن خشونت خانگی نسبت به زنان حادتر است. در صدر کشورهای زن‌کش بعد از رومانی، فنلاند قرار دارد. بعد از آن نروژ، لوکزامبورگ، دانمارک، سوئد، ایتالیا، پرتقال و ایرلند در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

پس آلترناتیو حضور زنان در سیاست نه تنها راه حل رهایی زنان نیست بلکه در کشورهای زن‌ستیز، خواسته زنان طبقات حاکم است. «اتحاد زنان برای دموکراسی» یا «آزاد» علیرغم اینکه به صراحت بیان نکرده‌اند اما با توجه به موسسین آن و مهم‌تر از آن با توجه به سیاست حاکم بر مجموعه، در ادامه‌ی راه و سیاست‌های کمپین یک میلیون امضا و پس از آن هم‌گرایی زنان تشکیل شده است. کسانی که به خوبی برای آنهایی که ستم بر زن دغدغه‌شان است آشنا هستند.

آنها در دفاع از گذشته فعالین آن مجموعه‌ها معتقدند «ممنوعیت تشکیل احزاب و تعریف حکومت از فعالیت سیاسی به مثابه بر اندازی، فعالین را وادار می‌کند که بگویند کارمان غیر سیاسی است». اما این تنها توجیهی بی‌پایه است چرا که به جز تشکلات زنان چپ که فرم مخفی داشته‌اند و ضدیت‌شان با حکومت مسجل بود و قطعا نگارنده این جمله مقصودش آنها نیست، بقیه تشکلات زنان همه در قالب حکومت پدید آمدند و هیچگاه مدعی نبودند که قصد براندازی دارند و اتفاقا سیاست‌هایشان در راستای سیاست‌های حاکم و در چارچوبی کاملا مطابق با قوانین حکومت بود و حداکثر رادیکالیسم آنان تلاش برای اصلاح نه چندان پر اهمیت یکسری قوانین بود که آن هم به نتیجه نرسید و خود آنها آشکارا مدعی بودند که اصلا مشکلی با سیاست و مذهب ندارند و نیازی به وادار کردن آنها نبود و حضور زنان حکومتی و جلب اعتماد آیت‌الله‌های حکومتی مهر تاییدی بر همه اینهاست. در جایی دیگر «آزاد» معتقد است که فعالیت جنبش زنان در کشور تا سطح شبکه ای فراگیر، افقی و شبه سازمانی گسترش پیدا کرد و در اعتراضات سال ۸۸ از سطح به عمق نفوذ کرد. تحلیل این جملات هم آشکار کننده نکات مهمی است. اول اینکه معتقد بودن به مدل شبکه ای و افقی یعنی هم سطح بودن همه و معتقد نبودن به رهبریت از تزهای مهم موسوی و رهبران جنبش سبز است، در حالیکه خودشان در عمل به آن معتقد نبودند و سعی داشتند که رهبری مبارزات مردم را در دست داشته باشند، دوم اینکه این تز در تئوری و پراتیک به بن‌بست می‌رسد که توضیح بیشتر از حوصله این بحث خارج است. اما همه اینها از یکسو نشان دهنده دنباله روی «آزاد» از آنها است و از سوی دیگر نمایانگر این است که بیشتر از اینکه ستم بر زن برای آنها اهمیت داشته باشد دستاویزیست برای به قدرت رسیدن آنها. در اعتراضات ۸۸ علیرغم حضور حداکثری زنان که خودبه‌خودی بود و ناشی از سال‌ها سرکوب آنها در جامعه، اما کسانی که مدعی رهبری بودند حتی یک شعار در راستای ستم بر زن ارائه نکردند و قبل‌تر از آن افق‌شان محدود به حمایت از این کاندیدا و آن کاندیدا و طرح مطالبات‌شان از آنها. کاندیداهایی که جزیی از این حکومت زن ستیز و مرد سالار بودند و مطالباتی که اثری از رهایی زن در آن موجود نبود. پس چگونه می‌توان مدعی بود که جنبش

زنان از سطح به عمق نفوذ کرده بود. ناگفته نماند که همان مطالبات اکنون مطالبات تشکل «اتحاد زنان برای دموکراسی» نیز هست.

بدیل سیاسی

ویکتوریا آزاد از مؤسسین این تشکل در مقاله‌ای تحت عنوان «زنان در سیاست» می نویسد: «تجربه کشورهای غرب نیز نشان می‌دهد که هر آن زمان که تغییرات ساختاری به خصوص فرهنگی بسود زنان صورت نگیرد کماکان مردسالاری نقش خود را ایفا می کند .... وا قعیت این است که ما نمی‌توانیم به انتظار آن روز باشیم تا تحولی اساسی در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور رخ دهد و دستی از آسمان بیرون آید و سرنوشت زنان را دگرگون سازد. برای احقاق حقوق شهروندی نیاز به چالش است و در این چالش زنان می‌بایست سهیم و برای خود وزنه ای باشند» این جملات نشان دهنده‌ی تضادی اساسی در نگرش نگارنده است از یک سو ریشه کن شدن مردسالاری را در تغییراتی ساختاری معرفی می کند از سوی دیگر تغییرات ساختاری را با آمدن دستی از آسمان یکی می گیرد و از سوی دیگر مصالحه و مذاکره رابه عنوان آلترناتیو می‌پذیرد. وی سه گام اساسی را برای رسیدن به دموکراسی جلو می گذارد:

۱ – تغییر نگاه عمومی نسبت به نقش‌های سنتی زن و مرد

آیا دستیابی به این مهم از طریق مذاکره با قانونگذاران ممکن است؟ خیر، ما با به دست آوردن نیمی از مسند قانونگذاری هم نمی‌توانیم این رویه را به ضد خود بدل کنیم. اما با بردن آگاهی انقلابی به میان توده‌ها می‌توان در تغییر نگرش ضد زن آنها گام برداشت.

۲ - تلاش برای حضور در عرصه کار اجتماعی، تولیدی و مدیریتی است (حق کار و معیشت)

آیا زنان حق کار ندارند؟ این که نیاز به تلاش ندارد. به یمن نظام سرمایه‌داری اکثر عرصه‌های کاری به زنان اختصاص دارد و به همین دلیل است که می گوییم زنان متحمل ستم مضاعف می‌شوند. این کار با دستمزد نابرابر و شرایط کاری نابرابر است. زنان در عرصه‌های کاری مورد سوء استفاده‌های جنسی و استثمار شدید قرار می گیرند و حتی در بعضی موارد بر دستمزدهای خود حقی ندارند. تا بتوان به استقلال اقتصادی و درآمدن از زیر بار سلطه‌ی اقتصادی مردان امید بست.

۳ - همراه کردن مردان با خیل عظیم زنان برای پیمودن راه دشوار رسیدن به دموکراسی خانوادگی و اجتماعی است.

ویکتوریا آزاد این گام را مهم‌ترین گام می‌داند و مدعی است جنبش زنان بدون حضور مردان پیش نمی‌رود بدین معنی که مردان باید بخواهند که با زنان مشارکت کنند و در غیر این صورت دستیابی به برابری دشوار خواهد بود.

این جملات نشان دهنده‌ی تناقض در ادعای استقلال جنبش زنان و نشان دهنده‌ی اعتقاد به وابستگی زنان به مردان است. منوط کردن تحقق برابری بین زن و مرد به پذیرش و همراهی مردان، منجر به غیر فعال کردن جنبش زنان می‌شود.

در مجموع این تشکل با عنوان تشکلی فرا حزبی بدون خط و برنامه ای جامع در ارتباط با چشم‌انداز جمهوری دموکراسی وعده داده شده، تنها بر سهم ۵۰ درصدی در قدرت تکیه می کند. آیا حضور زنان در ساختار قدرت بدون آگاهی نسبت به حقوق حداکثری زنان (برخلاف منافع زنان طبقات بالا) نتیجه‌ای جز وزرای زن، نمایندگان زن و سایر زنانی خواهد داشت که در ساختار کنونی حضور دارند؟

ین افراد هدفی جز منحرف کردن پتانسیل جنبش زنان به سوی تغییرات نرمی که از سوی اپوزیسیون راست خارج از کشور در حال برنامه ریزی است نمی‌باشد و تلاش دارد تا با تقلیل دادن مطالبات زنان به مطالبه از سوی قدرت‌های حاکم مانع از انقلاب مردمی یا هر گونه تغییر رادیکال با حضور حداکثری زنان گردد. اما نباید افق‌مان را محدود کنیم. چرا که این راه و صف اکثریت زنان نیست. §

آیا می‌دانید ...

زنان مشروطه

بیشتر از ۱۰۰ سال پیش، فعالیت زنان مشروطه‌خواه در داخل کشور عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گرفت که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: مبارزه‌ی تبلیغاتی و افشاگری، حمایت مالی از مبارزه‌ی مشروطه‌خواهان و شرکت در مبارزه‌ی مسلحانه. همانطور که در ابتدا مقاومت مشروطه‌خواهان در برابر نیروهای محمدعلی شاه محدود به تبریز بود، فعالیت‌های مبارزاتی زنان نیز در ابتدا به زنان تبریز محدود می‌شد. §

ادامه‌ی سعادت آباد

در نهایت نیز به شوربختی خود به عنوان یک زن در جامعه‌ی مردسالار تن می‌دهند.

یاسی که به نظر می‌رسد بیشتر از دو زن دیگر داستان از زندگی خود، خشنود به نظر می‌رسد و حتی آن را به زبان می‌آورد می‌داند که حقیقت چیز دیگری است. آنقدر مردد است که حتی بارداری دومین فرزندش را به محسن نمی گوید. تهمینه دیگر انگیزه‌ای برای ادامه رابطه با همسرش نمی‌بیند و لاله کلافه از استرس‌های مکرری که همسرش به او تحمیل می کند به خوبی می‌داند

زندگی‌اش هر چه دارد جای خوشبختی در آن خالی است. خوشبختی که در بسیاری از زندگی‌ها به مدد از خود بیگانگی جهان سرمایه، گم شده اما هیچ‌گاه حاضر نیستیم به آن اعتراف کنیم چرا که رقابت در دنیای امروز را از کودکی و در مدرسه به لطف نمره و کنکور و پس از آن برای یافتن کار و .... آموخته‌ایم و اینک چنان بخش بزرگی از زندگی ما در بر می گیرد که گویی در اوج استیصال نیز بر اساس آن رقابت باید به خوشبختی تظاهر کنیم تا از دیگران عقب نمانیم.

با آنکه موضوع فیلم از مباحث بسیار مهم جامعه امروز است اما چنان خنثی به پایان فیلم می‌رسیم که بیننده غمگین از استیصال زنان دنیای امروز، سینما را ترک می کند بدون روزنه‌ی امیدی برای تغییر. زمانی که لاله علی رغم سوزش کشیده‌ای که دست بی‌مهرِ علی بر صورت او نواخته، مردد و مغموم کلید در را می‌چرخاند و دوباره می‌بندد لحظه‌ای احساس می کنی، تغییر در راه است اما چه سود که لاله دوباره در می گشاید تا اندوه مکرر زندگی مملو از استرس‌اش را فردا از نو آغاز کند ولو در حاشیه‌ی تاریک یک زندگی مشترک. تهمینه نیز همانطور که بحث مالی او را سال ها پیش با همسرش آشنا کرده بود چه بهانه‌ای بهتر از اختلاف مالی برای گسستن آخرین پیوندهای مهر می‌تواند بیابد و متذکر شود تنهایی امروزم فردا عمیق‌تر خواهد بود. یاسی زنی که خسته از یک روز پرکار و ملول از دروغ و مکر همسرش در نهایتِ تنهایی تصمیم به نگاه داشتن جنینش می کند، با ریختن لیوان آبی در گلدان زندگی و نوازش زخمی که یادآور یک روز بی‌لذت است، می‌پذیرد که گیاه زندگی مشترک‌اش را با وجود همه‌ی دردی که به بار می‌آورد باید حفظ کرد. سعادت‌آباد و بازیگرانش، نشانگر جامعه پریشان و از هم‌گسیخته‌ی مردم ایران است. §

سعادت!!! آباد

گروه نقد فیلم

سعادت‌آباد برشی است از زندگی اقشار مرفه ایران که سه زوج جوان آن را نمایندگی می‌کنند. فیلم، داستان زندگی کسانی است که اگرچه بسیاری از جوانان حسرت آن را دارند اما آنان نیز در مناسبات بیمار جامعه غرق شده اند. روزمره‌گی، خیانت، دروغ، تلاطم و استرس، ویژگی‌ها و حالاتی است که در شخصیت های داستان جلوه می‌کند تا بیننده را به شکننده بودن سعادتِ سعادت آبادی‌ها آگاه سازد. شاید بتوان گفت غیرواقعی بودن و حبابی بودن این سعادت در بهترین صحنه ی فیلم به خوبی نشان داده شده. لحظه‌ای که آرامش میز شام و مهمانان در کسر ثانیه ای که لیوان در دست یاسی می شکند همه چیز با هیاهویی محو به یکباره تغییر می‌کند. شخصیت های این فیلم چنان آشنا و باور پذیرند که گویی بارها این افراد را دیده ای و پیدا کردن ما به ازاء واقعی آنان دشوار نیست.

یاسی (لیلا حاتمی) زن خانه داری است که در روز تولد همسرش، دوستانشان را دعوت می‌کند تا در مهمانی که علی رغم بارداری و دست تنها بودنش آن را به راه انداخته، شرکت کنند و تا علاوه بر آنکه کدورت دعوای چند روز پیش با همسرش را از میان بردارد، روزهای خوش گذشته نه چندان دور را نیز تداعی کند. یاسی زنی است با تفکر سنتی در ظاهر مدرن یک زندگی مرفه. او که بعد از ازدواج به خواست همسرش و به دلیل عدم نیاز مالی، از اشتغال بیرون از منزل صرف نظر کرده، اکنون دغدغه مادری و همسر بودن برای او عمده است. زنی که گذر زمان و وقایع را با غذای ویژه اش می‌سنجد و امور مربوط به کار همسرش را با دقت و نگرانی اما از دور و در کسوت یک زن خانه دار دنبال می‌کند. شخصیت آرام و بردبار او، خرد مورد انتظار در جامعه ایرانی را از یک زن نجیب، خانه دار و نمونه و البته مطیع تداعی می‌کند که سعی در اداره امور زندگی خود و دوستانش را به بهترین نحو ممکن را دارد.

محسن (حامد بهداد) تاجر جوانی است که ویژگی های یک بازاری امروزی ایران را در او می‌بینیم. پرمشغله، خوشگذران، بی‌تعارف، سنتی، پرسر و زبان، بی توجه به مذهب و البته با سیاستی به نفع جیب. او یک شهروند واقعی است که برای او همه چیز در دنیا با پسوندِ «من» معنی می‌یابد. زنِ من، پولِ من، راحتی منِ و از همه مهم‌تر نفع منِ. ترکیبِ این شهروند بودن با سنت گرایی، بهتر از همه در نگاه ابزاری و بسته‌ی او نسبت به همسرش مشهود است. او فشار کار و زندگی را با یاسی تقسیم می‌کند اما بیماری احتمالی او را به راحتی به فراموشی می‌سپارد و حتی روابط عاشقانه خارج از ازدواج را برای خود مجاز می‌شمارد.

بهرام (حسین یاری) همکار و دوست محسن است. رابطه‌ی کاری محسن و بهرام که به سال ها پیش بر می‌گردد با آنکه از طرف محسن صادقانه نیست اما از سوی بهرام با از خودگذشتگی‌هایی همراه است. هر چند در خلال فیلم بیننده در می‌یابد که این بزرگواری‌ها نه به خاطر محسن بلکه ناشی از احساس بهرام به یاسی است که شاید از فرصتی از دست رفته یاد می‌کند. فرصت با یاسی بودن چه از طرف محسن از بهرام گرفته شده باشد و چه بهرام برای رسیدن به ثروت و جلال از طریق ازدواج با دختر رئیس از آن صرفنظر کرده باشد، باعث شده تا بهرام در سال‌های آخر جوانی آن را به دید افسوس بنگرد. این احساس هنوز چنان پررنگ و زنده است که کشف آن توسط همسر بهرام دشوار نیست.

تهمینه (هنگامه قاضیانی) بر خلاف دیگر دوستانش که به نظر می رسد خواستگاه اجتماعی از طبقه متوسط دارند، از طبقه مرفه است. او بعد از بازگشت از فرنگ و پشت سر نهادن ازدواجی که حاصل آن علاوه بر اندوه و سردرگمی، دو پسر است، بعد از سال ها زندگی در ایران قصد دارد به نزد آنان بازگردد. مغرور و در ظاهر متکی به نفس است؛ اما احساس سرخوردگی و شکست را در استعمال قرص‌های اعصابی که یاسی نیز مشابه

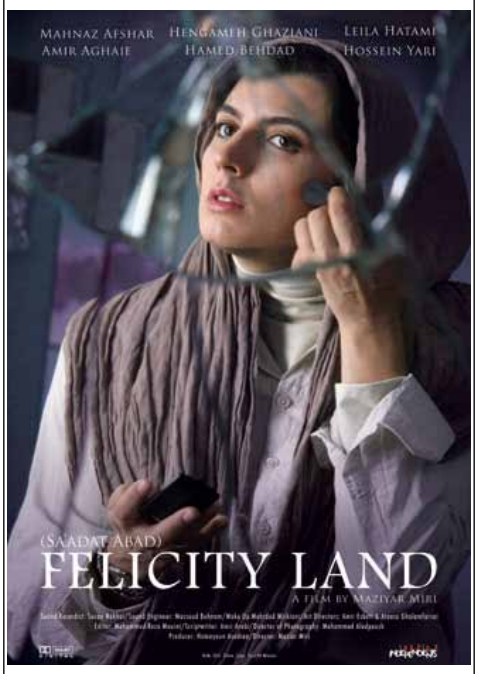

آنان را استفاده می‌کند می‌بینیم. او که اکنون به خوبی می‌داند رابطه اش با بهرام بر اساس یک دوراندیشی اقتصادی از طرف بهرام صورت گرفته از احساس او به یاسی نیز آزار می‌بیند و دیگر برای تداوم زندگی دلیلی نمی‌بیند. اما همسرش چنان این جدایی را جلوه می‌دهد که گویی در نابسامانی رابطه شان نقشی ندارد و تهمینه تنها برای ایفای نقش مادری خواهان پایان دادن به رابطه است. حال آنکه بی علاقگی و اینکه ساعت ها تهمینه را از خود بی خبر می‌گذارد (آن هم به گونه‌ای که گویی پای زن دیگری در میان است) را نادیده می‌گیرد.

لاله (مهناز افشار) دوست و همکار قدیمی آنها، اکنون کارمند شرکت تهمینه و بهرام است. دختری مدرن، آگاه، توانمند و اجتماعی که به خوبی می‌داند از زندگی چه می‌خواهد اما او نیز قربانی مردسالاری جامعه است. لاله همسرش را به گونه‌ای انتخاب کرده که از منظر استانداردهای اجتماع بی‌نقص است. تحصیل کرده، محجوب، اخلاق‌گرا، مرفه و تا حدی مقبول از لحاظ ظاهر. اما چه سود که این ملاک‌ها ضامن خواست لاله مبنی بر استقلالش نیستند. او که نقش مادری را با سقط جنین‌اش به بعد موکول می‌کند تا به ماموریتی کاری به اروپا برود؛ مجبور شده با کمک یاسی و تهمینه و پنهان کردن از همسرش این کار را انجام دهد.

علی (امیر آقایی) همسر لاله نسبت به همسرش بیش از آنکه احساس دوستی و همدلی داشته باشد حس مالکیت دارد. همان احساسی که در اجتماع با کلماتی به نام غیرت و بددلی می‌شناسیم. علی بیش از آنکه به علایق لاله توجه کند به دنبال راه‌هایی است که هر چه بیشتر او را تابع خویش سازد. مرتبا از او می‌خواهد که کار خود را به کنار بگذارد و حتی برای این منظور امتیازاتی به لاله می‌دهد از جمله به نام کردن نیمی از خانه به نام لاله. او که نماد مردان تحصیل کرده اجتماع ماست با دست بلند کردن بر روی همسرش به بیننده یادآوری می کند که تحصیلات، آن هم در دانشگاه های امروز به معنی کسب شعور و آگاهی نیست. علی در اول فیلم با دریافت پیام کوتاهی که تمرکز را از او می‌گیرد همچون محسن و بهرام مضنون به خیانتی است که در فیلم آشکارا به آن پرداخته نمی‌شود. پیامی که در مورد محتوای آن به لاله توضیحی نمی‌دهد اما به خود اجازه می‌دهد از کوچکترین ارتباطات همسرش آگاه شود و حتی رفتار لاله با همکاران و دوستان مردش را مرتبا کنترل نماید. علی نه تنها سنتی که به شدت مذهبی است. این موضوع در سکانس‌هایی کاملا پیدا است که بعد از فهمیدن موضوع سقط جنین بارها بر این مسئله تاکید می‌کند که لاله جواب خدا را چگونه باید بدهد و یاسی را با اصطلاحاتی مذهبی همچون حلال نکردن به فکر وامی‌دارد که شاید مرتکب اشتباه شده که به لاله کمک کرده است.

سعادت‌آباد به خوبی بخشی از درگیری‌ها و مشکلات اجتماعی ازدواج‌های ایرانی (بدون پرداختن به مسائل مالی که بخش بزرگی از مشکلات امروز جامعه است) را با محور قرار دادن زنان و مردان جوان نشان می‌دهد. زنانی که با چنگ و دندان برای اثبات بودنشان می‌جنگند، بیشترین فشار را متحمل می‌شود و از همه بدتر از طرف مردان زندگی‌شان به هیچ انگاشته می‌شوند.

ادامه در صفحه‌ی سه...

گزارش ارسالی

چنـدی پیش نخسـت وزیر ترکیـه «نجف طیب اردوغـان» از حزب عدالت و توسـعه (آ.ک.پ) که حزب اسـلام گرای ترکیه به شـمار می رود علیه سقط جنین اظهار نظر کرد و آن را جنایت دانست و مخالفت خود را با سـزارین اعلام نمود. شـهردار آنکارا نیز که منتسـب به همان حزب اسـت اعلام کـرد که زنی که مورد تجاوز قرار می گیرد و باردار می شود بهتر است خودکشی کند تا سقط جنین. سـخنان اسلام گرایان موجب شـد زنان ترکیه در شهرهای مختلف به خیابان ها آمده و علیه آنان تظاهرات کنند. اگرچه تعداد این تظاهر کننـدگان می باید بیـش از این ها می بود اما همه معترف بودنـد که این تعداد بیش از آنی است که هر ساله برای ۸ مارس، روز جهانی زن به خیابان هـا می آیند؛ و البته نباید فراموش کرد در کشـوری که مسئله زنان به سنت بسیاری از کشورهای اسلامی که سـنت ضدزن در آن ریشه دارد، مسئله ای انحرافی به شمار می رود و از این رو این تعداد تظاهر کننده در خور توجه بود.

تظاهرات در استامبول، ازمیر، آنکارا و چند شهر دیگر برگذار شد. مسیر تظاهرات آنکارا از مقابل دانشگاه آنکارا واقع در ج.ب.ج شروع شد و تا چهار راه کُلِج ادامه یافت و چیزی تقریب به هزار زن از پنجاه و هشت سـازمان، حزب، گروه و یا به صورت انفرادی شرکت داشتند. تظاهر کنندگان از هر گروه سنی را شامل می شدند، دختران دانشجو، زنان شـاغل، مادرانی جـوان به همـراه دختران کوچکشـان. بر خلاف تظاهرات‌هایی که مردان نیز در آن شرکت دارند، اصرار خاصی برای پشت پرچم و نماد ویژه ای ایسـتادن برای زنان مطرح نبود. هر چند به طور حتم بسـیاری از آنان بر سر مواضعی که می تواند وجه افتراق آنان باشـد کاملا روشـن اند، اما ایستادگی در مقابل یک دشمن واحد بر سر موضوعی چنین واضح نیاز برای هر گونه خط کشی و صف بنـدی را کمرنگ می کرد. علاوه بر جمعی که در خیابان شـعار می دادنـد و پرچم و پلاکارد دست گرفته بودند، زنانی نیز بودند که از دو طرف خیابان برای تظاهر کنندگان دست تکان می دادند و آنان را تشـویق می کردند. اما همه ی رهگذران موافـق این حرکـت نبودند، زنـان محجبه ای که همراه مردانشـان از کنار جمعیت می گذشتند در سـکوت و با لبخندی حاکی از تحقیر زنان را نظاره گـر بودند. زنانی که شمارشـان با تبلیغات علنی و غیرعلنی اسلام گرایان رو به افزایش است.

عایشه زن جوان شاغلی است که رشد اسلام گرایی در ترکیـه را برای حقوق زنـان خطرناک می‌داند. در مـورد وضعیت زنان در ایران بی‌اطلاع نیسـت و معتقد اسـت کـه آنچه در ایران اتفـاق افتاد در ترکیـه نیز می‌تواند در سـطحی دیگر رخ دهد. به صراحت تضعیف برابری جنسـیتی در ترکیه را بعد از قدرت‌گیـری حزب آ.ک.پ تایید می‌کند. باور او بر این اسـت که باید مقابل سـخنانی از این دست ایستاد و با زن ستیزی اسـلام گرایان مبارزه کرد. از من در مورد موضعم و عقایدم می‌پرسـد و دلیل آمدنم بـه تظاهرات را. توضیـح می‌دهم که ما هر آنچه انجام می‌دهیم مخفی و غیرقانونی اسـت اما او ایـن را به خوبی درک می‌کنـد ولی می خواهد در مورد موضع‌مان در مورد سـقط جنین بداند. به او می‌گویم ما طرفدار حق سـقط جنین برای زنان تحت هر شرایطی هستیم.

دختر جوان بعدی دانشجویی آنارکوفمنیست است. در دانشـگاه آنـکارا علوم سیاسـی می‌خواند. او نیز معتقد است که سـخنان اردوغان از باور اسلامی او ناشی می‌شـود. به خوبی از خطر اسلام‌گرایان آگاه

است.

سومین دختر نیز دانشجوی علوم سیاسی از دانشگاه اوتو اسـت. موضع او در مورد حجـاب تقریبا همان موضع همیشگی زنان روشنفکر ترکیه است. حجاب اگر ایدئولوژیک نباشـد خطرناک نیست. حجابی که زنی به سـن مادر من دارد بخشی از عادت پوشش اوسـت و نباید به آن حساسـیت نشان دهیم همان طور که بی حجابی ما نیز نباید زیر سـوال برود. به او توضیح می‌دهم که حجاب به هر حال ایدئولوژی ویژه ای را نمایندگی می‌کند، حجاب نماد اسـلامی اسـت کـه زنـان همـواره در آن (علی‌رغـم انکار روشـنفکران دینی) جنس فرودست و دوم هستند و بایـد در مـورد آن صحبـت کرد. امـا او حجاب ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک را از هم جدا می‌کند. ولـی هیچ راهی برای مقابله بـا حجاب ایدئولوژیک مطرح نمی‌کند. حتی شاخصی برای تمیز دادن آن از نوع دیگر حجاب ارائه نمی‌دهد.

سارا به تازگی از رشته توسعه که یکی از شاخه‌های علوم سیاسی است از دانشگاهی در سوئد در مقطع ارشـد فارغ‌التحصیل شـده. او نیز معتقد اسـت که بایـد بخش‌های مطلوب اسـلام را گرفـت و دیگر قسـمت‌هایی کـه موجب می‌شـود بر اسـاس آن سـخنانی نظیر حرف‌های اردوغان اسـتدلال شود حـذف گردد. روشـی که از آن با عنـوان «اصلاح» و «تجدید نظر» یاد می‌کند. سـعی می‌کنم برای او توضیح دهم که از تفکری که مبنای آن ضدزن است نمی‌توان فمنیسـم بیرون کشید اما او عمیقا به این اصلاحات بـاور دارد. اصلاحاتی که برای ما ایرانیان تداعی‌گر نام طیفی از به اصطلاح «روشـنفکران»، معروف به روشـنفکران دینی اسـت. از او در مورد علی شـریعتی می‌پرسـم اما هیچ چیز در این باره نمی‌دانـد. توضیح می‌دهـم که اندیشـه‌های علی شـریعتی مبنای نظریه‌های اسـلام‌گرایان ترک در مواجه با مسئله زن است. تفکری به شدت مرتجع و ضدزن با ادبیاتی فریبنده.

نفر بعدی زنی اسـت که پلاک سرپرسـت به گردن آویخته. زنی مسن که از ظرافت‌های استاندارد شده برای یک زن در نظام مردسالار جهانی نشانی در او نیست. او ماجرا را دوباره شرح می‌دهد. معتقد است که حرف‌های افراد حزب آ.ک.پ ریشـه در اسـلام دارد و بـه واقع تفکر اسـلامی را در تضاد با حقوق زنان می‌داند.

آخرین فرد زن میانسـال عکاسی است که برچسب صورتـی رنگی را که به شـکل دسـت یک زن اسـت به ما نشـان می‌دهد و می‌گوید فمنیسـت‌های اسـلامی در هر برنامه‌ای با ما هسـتند اما امروز به دلیل اسـتفاده‌ی ما از این برچسـب ها حاضر به شرکت نشدند. برچسـب‌ها حاوی جمله‌ای کوتاه اسـت به ایـن مضمون که اختیار بدن زن در دسـت اوست. اما فمنیست اسلامی‌ها بر این باورند که اختیار بدن زن در دسـت خداست و این دستان صورتی اراده خداوند را به چالش می کشد.

در نهایت این تظاهرات و اعتراض‌ها مشابه، دولت را به عقب‌نشـینی وادار کرد. شـاید اگـر زنـان در این روزهـای گرم بـه خیابان‌های داغ نیامـده بودنـد تا خشم‌شـان را علنـی کنند، امروز سـقط حنین برای زنان ترکیه ممنوع شـده بود. اما بسـیاری که تاریخ زنـان را فراتر از ترکیه می‌شناسـند می‌دانند که بـا قدرت‌گیری هر چه بیشـتر اسـلام‌گرایان هر روز خطر از دست رفتن حقوق زنان بیشـتر می‌شـود. چیزی مشابه تاریخ زنان ایران که تظاهراتشـان در روز زن (۸ مارس) ۱۳۵۷باعث عقب‌نشـینی خمینی بـرای اجباری کردن حجاب شد. اما بعدها با افزایش سرکوب‌ها و قدرت‌گیری اسلامی ها، خمینی حجاب را اجباری کـرد و بسـیاری حقوق دیگر را نیز از زنان سـلب نمود. §

در خبرها مطلع شدیم که **آذر درخشان**، از فعالین سازمان زنان ۸ مارس پس از سالها مبارزه با بیماری سرطان در گذشت. این ضایعه را به رفقای او، خانواده‌اش و زنانی که او چراغ راهشان بود تسلیت می‌گوییم. بدون شک فقدان او در جنبش زنان خلاءای بزرگ را ایجاد خواهد کرد. باشد که عصیانگران امروز بتوانند آذران فردای جنبش زنان باشند. §

منبع اخبار: روزنامه‌ی شرق

اخبار دختران

رتبه نخست دانشگاه علامه در اسلامی شدن
جایزه به دانشجویان محجبه

مهـر: مدیر امور فرهنگی دانشـگاه علامه طباطبایی از رتبه این دانشـگاه در اسلامی شـدن خبر داد و گفت: دانشجویان دختری که پوشش خود را تغییر دادنـد و حجاب خود را در دانشـگاه رعایت کردند بـا بن‌های ۲۰ هزارتومانی تشویق شـدند. مهدی میرزایی‌تبار افزود: دانشـگاه علامه طباطبایی از طرف شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی رتبه نخست اسلامی شدن دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده اسـت و یکی از برنامه‌هایی که دانشـگاه در این راستا اجرایی کرد طرح حجاب و عفاف بود.

حجاب مانند کادو باید مقابل صاحبش باز شود

قدس آنلاین به نقل از دانشجو نوشت: «حجت الاسلام نقویان» در جمع استادان دانشگاه علوم پزشکی مشهد با تاکید بر مساله حجاب و عفاف زنان در جامعه گفته: کادو در مقابل صاحب آن باز می شـود و حجاب نیز مانند کادو اسـت کـه نباید در مقابل نامحرم قرار گیرد و باز شـود. امـروز به بهانه اینکه زن به عنـوان نیمی از جامعه حق تحصیل دارد، وی را از خانه بیرون می آورند. من با تحصیل و شغل زنان مخالف نیستم؛ اما ریاضیدانان این مساله را حل کنند؛ که چرا امروز یک دختر برای به دسـت آوردن مدرک لیسـانس کیلومترها با خانـه خود فاصله دارد؛ چراکه این امر باعث به وجود آمدن مشـکلات زیادی برای این دختر می شود.

امکان رصد تردد دانشجویان خوابگاهی دانشگاه آزاد توسط والدین

ایسـنا: مدیرکل خدمات دانشـجویی دانشـگاه آزاد درخصوص سیاست های جدیـد دانشـگاه برای رفت وآمد دانشـجویان خوابگاهی، گفـت: در برخی از

واحدهای دانشـگاهی خانواده هـا می توانند از طریق اینترنـت زمان ورود و خروج فرزنـدان خود را رصد کنند. «طهمورث آقاجانـی» افزود: در خیلی از خوابگاه‌ها دانشجویان دارای کارت ورود و خروج هستند و باید در هنگام عبور و مرور وضعیت خود را ثبت کنند. وی با بیان اینکه بر این اساس خانواده های آنـان در برخـی از واحدها از طریق اینترنت و برخی دیگر به صورت پیامک از وضعیـت رفت وآمد فرزندان خود مطلع می شـوند، اظهارکرد: البته در برخی از واحدها کارت هایی تعبیه شـده تا حتی زمانی که دانشجو وارد دانشگاه می شود وضعیت آنها ثبت شود و خانواده ها از طریق اینترنت می توانند وضعیت فرزندان خود را رصد کنند.

مدیر کل خدمات دانشـجویی دانشـگاه آزاد با تاکید بـر اینکه تمامی تلاش ما بر این اسـت که بتوانیم امنیت خاطر دانشـجویان و خانواده آنان را فراهم کنیم، خاطر نشـان کرد: در آیین نامه اسـکان دانشجویان در خوابگاه‌ها کلیه موارد مختلف درج شده است. وی با اشاره به برنامه های دانشگاه آزاد در هفته خوابگاه، گفت: براسـاس دستورالعمل وزارت علوم هرساله دانشگاه آزاد برنامه هـای مختلفی برای این هفتـه در نظر می گیرد. وی با بیـان اینکه برگزاری هفته خوابگاه موجب نشاط و شـادابی، تعاون و همکاری در میان دانشجویان می شـود، اظهارکرد: می‌توان با برنامه هـای متنوع در طول این یک هفته به اندازه یک سال به دانشجویان انرژی داد.

گام اجرایی نخست شورای تحول و ارتقای علوم انسانی
رشته «مطالعات زنان» به «حقوق زن در اسلام» تبدیل شد

محمدحسـین نجاتی: رشته «مطالعات زنان» در دانشـگاه‌های کشور به رشته «حقوق زن در اسـلام» تبدیل می‌شـود. این اولین گام اجرایی اسلامی‌سازی علوم انسانی محسوب می‌شود. این مصوبه روز گذشته شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسـانی شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی است. شورایی متشکل از ۲۰ عضو حقیقی و حقوقی که ۱۲ نفر از آنان را روحانیون و فعالان حوزه‌های علمیه تشـکیل می‌دهند. شورایی که ایسـتگاه آخر تصویب تغییرات در علوم انسـانی اسـت و مصوبات آن براسـاس قانون شـورای‌عالی انقـلاب فرهنگی در «اسـرع وقـت لازم‌الاجراسـت.» اعضای این شـورا به ریاسـت «غلامعلی حدادعادل» عضو شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی روز گذشـته چگونگی تدوین و اصلاح سـرفصل‌های دوره دکترای تخصصی رشـته مطالعات زنان با گرایش حقوق زن در اسـلام را ارایه کردند. این اقدام پس از پایان پروژه پژوهشـگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بازنگری در سرفصل‌های علوم‌انسانی و ورود دانشگاه‌های دولتی به‌خصوص دانشگاه علامه طباطبایی در بازنگری محتوایی دروس می‌گیـرد. همچنیـن رشـته مطالعات زنان و جایگزین شـدن رشـته «حقوق زن در اسلام» اولین گام شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی در تکمیل پروژه‌های پژوهشـگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشـگاه علامه طباطبایی است. پیش از این وزارت علوم با همکاری دانشـگاه‌های کشـور و مراکزی نظیر حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه حوزه و دانشـگاه و دانشـگاه علامه طباطبایی اقدام به تشـکیل کارگروه‌هایی تخصصـی بـرای بازنگری در علوم انسـانی کرد و به موجـب آن در نظر علوم انسانی و سایر رشته‌های دانشگاهی با شاخص‌های خاص خود را مورد بازنگری محتوایـی قرار دهد. همچنین با رفع موانعی همچون نداشـتن مصداق، میزان و نقشـه راه در بازنگری علوم انسانی امروز مسوولان به سمت بازنگری سالانه چهارهزار سرفصل دروس دانشگاهی خیز برداشته‌اند. خیزشی که در نوع خود نشـان‌دهنده اجرای فاز جدید از بازنگری در علوم انسانی و دروس دانشگاهی و ایجاد نگرانی‌هایی برای چگونگی بازنگری در رشـته‌های دانشگاهی است. با این حال، غلامعلی حدادعادل در جلسه شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسـانی شـورای‌عالی انقلاب فرهنگی با تاکید بر اینکه موضوع مطالعات زنان با رویکردی که هم‌اکنون در جهان رایج اسـت با اسلام تعارض و تباین جدی دارد، عنوان کرد: «دشـمن نیز با وقوف به این موضوع، هجمه از این موضع به اسلام را در دستور کار خود قرار داده است و متاسفانه در گذشته، این مباحث مقلدانه، بدون نقد و بررسـی در دانشـگاه‌های ما تدریس شـدند و به همین دلیل شورای‌عالی انقلاب فرهنگی وارد موضوع شد تا در این مورد تجدید نظر اساسـی صورت گیرد.» رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با طرح این سوال که ابتدا باید به این سوال پاسخ دهیم که اصلا دکترای رشـته مطالعات زنان با چه هدفی تاسیس می‌شـود و از دانش‌آموختگان این مقطع چه می‌خواهیم؟ اظهار کرد: «باید در کنار تدریس مباحث رایج در غرب، نقد و بررسـی اجتهادی و به دور از خودباختگی در دانشگاه‌های ما رواج یابد، همچنین باید توجه داشـته باشیم که این کار چالش ایجاد خواهد کرد، یعنی غرب به شـدت در این موضوع حسـاس است و هر حرکتی در این زمینه را با دقـت رصد خواهد کرد.» حدادعادل اضافه کرد: بایـد از منظر حقوقی هم به موضوع نگاه شـود، یعنی معلوم شـود که در نظام حقوقی اسلام، زن به‌عنوان

یک انسان، هم‌پای مرد دارای حقوق فردی و اجتماعی است همان‌گونه که مانند مرد می‌تواند پله‌های تکامل معنوی را بپیماید. باوجود اعلام استقلال وزارت علوم در بازنگری در علوم انسانی، تصویب تمامی اقدامات دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای بازنگری در علوم انسانی باید به تصویب اعضای شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی برسد.

«حقوق زن در اسلام»، خروجی دانشگاه تربیت مدرس

سال گذشته با پایان یافتن ماموریت پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در بازنگری سرفصل‌های علوم‌انسانی، حجت‌الاسلام صدرالدین شریعتی، رییس دانشگاه علامه طباطبایی از سوی وزارت علوم مامور بازنگری در محتوا و منابع دروس رشته‌های علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم‌سیاسی و سایر رشته‌های علوم انسانی شد. پس از آن بود که دانشگاه علامه طباطبایی بازنگری در رشته مطالعات زنان را به دانشگاه تربیت مدرس تهران واگذار کرد و سعید قدیمی مدیرکل دفتر گسترش وزارت علوم در گفت‌وگو با «شرق» با تایید این اقدام عنوان کرد: علوم اجتماعی را ما با توجه به حساسیت آن به صورت گرایش‌های مختلف به جاهای مختلفی واگذار کرده‌ایم و مطالعات زنان کارگروهش دیرتر شکل گرفت و عقب‌افتادگی داشت اما دانشگاه تربیت مدرس اصلاحات زیادی را به آن وارد کردند. او تاکید کرد: این رشته از این پس تحت عنوان مطالعات خانواده و حقوق زن در اسلام فعالیت می‌کند البته تعداد دانشجویان این رشته قابل مقایسه با علوم اجتماعی و روان‌شناسی نیست و حساسیت زیادی روی آن نیست.

بررسی راهنمای انتخاب رشته کارشناسی ارشد سال۹۱ مشخص کرد سهمیه‌بندی جنسیتی در تمامی دروس ۶ دانشگاه دولتی

محمدحسین نجاتی: شش دانشگاه بزرگ و دولتی کشور در تمامی زیرگروه‌های درسی کارشناسی‌ارشد خود اقدام به پذیرش جنسیتی کرده‌اند. این اقدام با انتشار دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۱ مشخص شد. روز گذشته زمانی که متقاضیان مجاز به انتخاب رشته شده در آزمون کارشناسی‌ارشد به دفترچه راهنما مراجعه کردند، در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی عبارات «فقط زن» و «فقط مرد» را در مقابل نام رشته‌ها مشاهده کردند. اقدامی که با حجم بسیار بالای خود تاکنون بی‌سابقه بوده است و اولین بار است که دانشگاه‌های کشور در این حجم اقدام به پذیرش جنسیتی دانشجویان می‌کنند. براساس بررسی‌های صورت گرفته شش دانشگاه مادر و دولتی کشور شامل دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، رازی کرمانشاه، علامه‌طباطبایی تهران، لرستان، بوعلی‌سینای همدان و قم در تمامی رشته‌های تحصیلی خود دختران و پسران را به طور مجزا پذیرش می‌کنند.

مساله‌ای که تا حد بسیار زیادی کیفیت پذیرش در دانشگاه‌های دولتی را تحت‌شعاع قرار می‌دهد و دانشجویان را نه براساس میزان کسب رتبه و نمره بلکه با معیار جنسیتی آنها را جذب می‌کنند. براساس آمار سازمان سنجش آموزش کشور از مجموع یک‌میلیون و ۱۷هزار داوطلب شرکت‌کننده در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۱، ۵۰۹هزار و ۳۱۷ نفر زن و ۵۰۷هزار و ۱۶۹نفر مرد در آزمون ثبت‌نام کردند و تنها ۷۵۸هزار و ۱۳ داوطلب در جلسه آزمون حاضر شده و حدود ۳۰۷هزار داوطلب مجاز به انتخاب رشته شدند. براساس آمارهای سال گذشته درصد قبولی پسران در زیرگروه فنی و مهندسی بیش از دختران و درصد قبولی دختران در زیرگروه علوم انسانی بیش از پسران است. مساله‌ای که ثابت می‌کند اعمال این سیاست از سوی وزارت علوم و دانشگاه‌های دولتی و مادر کشور در زیرگروه علوم انسانی به ضرر دختران و در زیر گروه فنی و مهندسی به ضرر پسران تمام می‌شود.

باز هم علامه

از سوی دیگر در زیرگروه علوم انسانی تمامی رشته‌های درسی در دانشگاه‌های علامه‌طباطبایی، بوعلی‌سینا همدان، رازی کرمانشاه و دانشگاه قم اقدام به پذیرش جنسیتی می‌کنند. دانشگاه علامه‌طباطبایی به عنوان خط مقدم طرح‌های بحث‌برانگیز وزارت علوم در چند سال اخیر و اجرای طرح‌هایی همچون بازنشستگی استادان و تفکیک جنسیتی سهم بالایی در پذیرش جنسیتی در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۱ دارد. سهم تنها دانشگاه علوم انسانی کشور از مجموع ۱۴۶ رشته‌ای که قرار است پذیرش جنسیتی شود بیش از ۸۹ رشته است. ۸۹ رشته‌ای که در طول چند سال اخیر بیش از پسران میزبان دختران بوده است و در صورت اعمال این سیاست سهم دختران از کرسی‌های کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه‌طباطبایی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. همچنین دانشگاه‌های رازی کرمانشاه با ۲۷ رشته، بوعلی‌سینای همدان با هشت رشته، دانشگاه قم با ۱۴ رشته، دانشگاه لرستان با هشت رشته در علوم انسانی گام‌های دیگر در پذیرش جنسیتی دانشجویان برداشته‌اند.از دیگر اقدامات دانشگاه علامه برای استقبال از ورودی‌های جدید سال ۹۱ می‌توان به حذف کامل رشته مطالعات فرهنگی نیز اشاره کرد.

دیوار کوتاه دختران

با گذشت ۷۲ سال از تاسیس دانشگاه در ایران، تا سال ۱۳۷۷ همواره نسبت پسران راه‌یافته به دانشگاه از دختران بیشتر بود. پس از آن در سال ۷۷ برای نخستین بار دختران با اختصاص بیش از ۵۲درصد ورودی دانشگاه‌های کشور چنین نسبتی را به نفع خود تغییر دادند. تاکنون در چند مرحله مقامات وزارت علوم، سازمان سنجش و برخی از مقامات دولتی خواستار اجرای سهمیه‌بندی جنسیتی برای محدود کردن ورود دختران به دانشگاه شده‌اند و در حال حاضر شش دانشگاه دولتی کشور دست به چنین اقدامی زده‌اند. اعمال سیاست‌های تفکیک جنسیتی که به گفته بسیاری از کارشناسان آموزشی کشور منجر به بی‌عدالتی آموزشی و تحمیل شرایط به دانشجویان با رتبه‌های بالاست، پیش از این نیز رگه‌هایی از آن در سیستم آموزش عالی کشور دیده می‌شد که با واکنش‌هایی نیز همراه بود. در اردیبهشت سال ۱۳۸۲، حسین رحیمی، رییس وقت سازمان سنجش اعلام کرد که در بعضی رشته‌ها پذیرش داوطلبان دختر به بیش از ۷۰درصد رسیده است و قصد داریم ایجاد محدودیت ۵۰ درصدی در پذیرش دختران داشته باشیم که با ایجاد چنین محدودیتی مشکل سربازی داوطلبان پسر جبران خواهد شد. رییس وقت سازمان سنجش در سخنان خود همچنین گفت: «اگر سقف پذیرش جنسی در این رشته‌ها لحاظ شود، نه تنها باعث حفظ تعادل در هرم جنسی دانشگاه‌ها می‌شود بلکه نوعی توازن جنسی در رشته‌های تحصیلی و تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به وجود می‌آورد.» پس از آن سهمیه‌بندی جنسیتی در کنکور سال ۱۳۸۳ برای سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی در نظر گرفته شد اما با مخالفت گسترده نمایندگان مجلس و فعالان جنبش زنان مواجه و سبب شد تا رییس‌جمهور وقت دستور لغو محدودیت پذیرش دختران در برخی رشته‌ها از سوی سازمان سنجش را صادر کند. این روند با افت و خیزهایی ادامه یافت تا

آنکه در بهمن‌ماه ۱۳۸۵ تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را به منظور کاهش ورود دختران به دانشگاه‌های کشور به مجلس ارایه کردند. این گروه از اعضای مجلس با اشاره به افزایش تعداد ورودی دختران نسبت به پسران که اکنون به ۶۵درصد رسیده است آن را برای کشور «خطرناک» و برای قداست خانواده «نامناسب» توصیف کرده و اعلام کردند که قصد دارند با تصویب این طرح ورود دختران به دانشگاه را با محدودیت‌هایی مواجه کنند. در این میان نماینده لردگان در مجلس و از حامیان اصلی طرح محدود کردن ورود دختران به دانشگاه درباره علت ارایه این طرح به مجلس گفت: «وقتی دختران بدون اجازه همسر خود نمی‌توانند کار کنند و به شهرهای دور بروند، تخصص آنها به حال مملکت هیچ تاثیری ندارد!»

فرمانده «ناجا»: ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ ثبت شد

شرق: به گفته مسوولان ناجا تا پیش از سال ۸۶ آمار دقیقی از وقوع تجاوز در ایران به دست نیامده اما نیروی انتظامی در سال‌های اخیر نسبت به اعلام آمار ثبت شده تجاوزها اقدام کرده است. در همین حال براساس اعلام

فرمانده ناجا، ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ گزارش شده و پدیده تجاوز دیگر تهدیدی مختص زنان ایرانی نیست. اما سردار احمدی‌مقدم در ۲۷ خرداد سه سال پیش تاکید داشت که هدف اصلی متجاوزان به عنف، بانوان و دختران جوان هستند و حالا در دهه اول خرداد سال ۹۱ دیگر مردها هم از تهدیدی به نام تجاوز در امان نیستند. سالانه به طور میانگین حدود شش‌هزار جرم در کشور رخ می‌دهد و به گفته احمدی‌مقدم از این تعداد در سال گذشته ۹۰۰ پرونده تجاوز به عنف در کشور ایجاد شده و هنگامی که بحث تجاوز به عنف مطرح می‌شود، همگان تصور می‌کنند که این عمل تنها به زنان محدود می‌شود. احمدی‌مقدم که چندی پیش اعلام کرده بود آمار تجاوز به عنف در ایران رو به افزایش گذاشته، امروز از ثبت ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ خبر می‌دهد. براساس آمار ارایه شده از سوی نیروی انتظامی، همچنین از سال ۸۶ تاکنون آمار تجاوز ۸۰۰ تا ۹۰۰ فقره ثبت شده که البته تعدادی نیز به دلیل حفظ آبرو ثبت نمی‌کنند.

۶۰درصد آمار تجاوزها مربوط به مردان است

به گفته فرمانده ناجا، حدود ۴۰درصد آمار تجاوز مربوط به زنان و ۶۰درصد مربوط به لواط است که معمولا علیه افراد زیر ۱۵ سال و با اغفال صورت می‌گیرد. فرمانده ناجا با بیان اینکه در حال حاضر آمارها صحیح‌تر از گذشته است، می‌گوید: «مجازاتی که دادگاه برای مجرمان تجاوزات به عنف در نظر می‌گیرد، همیشه اعدام نیست و ممکن است به شلاق، زندان و جزای نقدی منجر شود. همچنین در بسیاری از موارد این اتهامات در دادگاه به عنوان تجاوز به عنف ثابت نمی‌شود و اثبات این مساله تا حدی پیچیده و سخت است. در نتیجه مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز مجازات‌های قابل انتظار برای این جرایم نیست.» او با تاکید بر اینکه جرایم تجاوزات به عنف از بدترین نوع جرایم در کشور است، معتقد است زمینه‌های سوءاستفاده در جامعه باید کنترل شود و دستگاه قضایی نیز باید برخورد قاطع‌تری را با این مجرمان داشته باشد تا انعکاس این برخورد در جامعه موجب تادیب افراد شود.

طالبان، دختران دانش‌آموز را مسموم کرد

فرانس‌پرس: پلیس افغانستان گزارش داد، ۱۶۰ دختر دانش‌آموز پس از مسموم شدن توسط طالبان در بیمارستانی محلی بستری شدند. «حفیظ الله صفی»، مدیر اداره بهداشت تخار در شمال افغانستان گفت: این دختران پیش از انتقال به بیمارستان دچار سردرد، خواب‌آلودگی و حالت تهوع بودند. این سومین مورد از مسمومیت دختران دانش‌آموز افغان توسط طالبان است. مقام‌های افغان مظنون هستند داخل کلاس‌های درس این دختران یک ماده شیمیایی سمی پاشیده شده است. هفته گذشته نیز بیش از ۱۲۰ دختر و سه معلم آنان به دلیل مشابه مسموم شده بودند. طالبان مسوولیت حمله ۲۳ می را انکار کرد. یک روز پیش نیز ۴۰ دختر دانش‌آموز در یک مدرسه دیگر مسموم و به بیمارستان منتقل شدند. طالبان مخالف حضور دختران در مدارس است و پیشتر خواستار تعطیلی مدارس در شمال افغانستان شده بود.

فقدان پژوهش در بخش امنیت زنان

زهره الهیان، نماینده مجلس نهم نیز از عدم بررسی مسایل مربوط به امنیت زنان در مرکز پژوهش‌ها گله دارد و می‌گوید: «در تمام جرایم مرتبط به تجاوزهای گروهی که در سال‌های اخیر در کاشمر و خمینی شهر اتفاق افتاده بدون تردید مساله تعدی به زنان مطرح بوده و امنیت زنان نباید مغفول واقع شود. در این راستا در مجلس هشتم طرحی را به مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد دادیم اما متاسفانه مرکز به آن رسیدگی نکرده و امیدواریم که رسیدگی به وضعیت امنیت زنان بیش از اینها مورد توجه قرار بگیرد.» بختیاری، وزیر دادگستری نیز در همین زمینه معتقد است که قوه‌قضاییه در قبال جرم‌های خاص، تجاوز به عنف و شرارت‌های مسلحانه حساسیت‌های زیادی به خرج می‌دهد. به گفته او، رییس قوه‌قضاییه به صورت شفاف دستور داد با کسانی که جرایم آنها تهدیدی برای امنیت و عفت مردم است به صورت ویژه برخورد شود و این پرونده‌ها با نظارت خودشان مورد بررسی قرار گیرد. §

عصیان:

اخبار بالا قسمت کوچکی بود از وضعیتی که دختران و زنان در جامعه با آن مواجه‌اند. اگر با دقت خوانده باشید حکومت به شکل‌های مختلف برای سرکوب و عقب مانده نگهداشتن و فرمانبردار بودن زنان برنامه ریزی می‌کند. در هیچ جا راحتمان نمی‌گذارند. نه در دانشگاه، نه خیابان و نه خانه‌هایمان. همه اینها گویای یک نکته مهم است، اینکه صاحبان قدرت به خوبی به پتانسیل بالای زنان آگاهند و از هر راهی برای خاموش کردن آن استفاده می‌کنند. آنها خوب می‌دانند که اگر زنان آگاه شوند و این پتانسیل را باور کنند طوفانی به پا خواهد شد که هیچ مانعی را بر نمی‌تابد. به همین دلیل هزینه‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های سیاسی و ایدئولوژیک و فرهنگی و اجتماعی می‌کند تا این طوفان را در نطفه خفه کند و ما اگر نمی‌خواهیم به این وضعیت سرکوب و خفقان هر روزه تن بدهیم باید به پاخیزیم و بجنگی.ما باید دریا شویم تا سیل پدید آید و هر ستم و بی‌عدالتی را ویران کند. اینها یک آرزو و غیر ممکن نیست چرا که تاریخ جهان و ایران بارها چنین واقعیت‌هایی را ثابت کرده است. ما باید جزیی از این سیل خروشان باشیم چرا که «از ما بهترانی» موجود نیستند که هزینه کنند و از بالا نازل شوند و ما را نجات دهند. §